

فیزلبرت استامپ ۲

فیزلبرت استامپ

و

پسپر ریشو



تصویرگر: سارا هورن

مترجم: بهمن دارالشفایی

ای. اف. هرولد

فصل اول

بایی که مقدماتی پیده می‌شود و مَقَدَم
فواننده به کتاب گرامی داشته می‌شود

همه چیز از یک دست دندان مصنوعی شروع شد، یا بهتر است
بگوییم از نبودن یک دست دندان مصنوعی شروع شد.
درواقع الان که خوب بهش فکر می‌کنم، می‌بینم اول داستان
این هم نبود. شاید داستان از یک دماغ قرمز شروع شد. یک
دماغ قرمز دلچکی که روزی ناگهان گم شد. اما واقعیتش این
است که داستان خیلی قبل از این‌ها شروع شده بود. فکر کنم
همه چیز از نامه‌ای شروع شد که یک صبح چهارشنبه به دست



مدیر سیرک رسید... یا شاید حتی قبل از آن.

آه، شروع کردن داستان چقدر پیچیده است، نه؟ فکر می‌کنی چفت و بستش را خوب جفت کرده‌ای، ولی وقتی دوباره نگاه می‌کنی می‌بینی یک تکه‌نخ سرگردان از آن طرفش آویزان است. آن نخ را می‌کشی و کل چیزی که ساخته‌ای ولو می‌شود روی زمین، درست مثل وقتی که یک پلیور بافتنی را بشکافی. مثلاً فرض کنیم شما قصد دارید تعریف کنید چرا امروز صبح دیر به مدرسه رسیدید. شاید اولش بگویید دیر به مدرسه رسیدید چون به‌موقع از خانه راه نیفتادید. این جواب سرراستی است. اما خب چرا به‌موقع از خانه راه نیفتادید؟ شاید چون شیطان رفته بود توی جلد برادر کوچک‌ترتان و شما مجبور شدید لباستان را عوض کنید، چون برادر کوچک‌تر روی لباستان حلیم ریخته بود. پس دلیل دیرکردن شما این بوده. اما شاید کسی پرسد چرا آن فسقلی امروز صبح این قدر لوس شده بود؟ خب ممکن است دلیلش این بوده باشد که شب خوب

نخوابیده. دیشب توفان شده و رعدوبرق زده و او هم آن قدر نازک‌نارنجی است که هنوز از توفان می‌ترسد. خب، مطمئنید که شروع ماجرا همین‌جاست؟ خود آن رعدوبرق از کجا آمده بوده؟ کارشناس هواشناسی تلویزیون احتمالاً می‌گوید: «یک توده هوای کم‌فشار و سرد بالای خلیج بیسکی مشاهده شده است.» و شما احتمالاً می‌پرسید: «خلیج بیسکی کجاست؟» او هم احتمالاً توضیح می‌دهد: «جنوب انگلستان، نزدیک اسپانیا.» اما حتی این هم که تقصیر دیرآمدنتان را گردن اسپانیا بیندازید، آخر کار نیست. اصلاً چرا باید به مدرسه بروید؟ مگر نه اینکه اگر مجبور نبودید به مدرسه بروید، اصلاً دیر نمی‌کردید؟ بنابراین می‌توانید تاریخ آموزش در جهان را بررسی کنید و ببینید چه کسی مدرسه را اختراع کرده. (و اصلاً چه شده که تصمیم گرفته‌اند مدرسه‌ها صبح به این زودی باز شوند.) علاوه بر همه‌ی این‌ها شاید بد نباشد سؤال‌هایی هم از پدر و مادرتان بکنید. مثلاً ازشان

